

سیاست ایران در بحران قره‌باغ



فرزاد رضائی بوناش

تحلیلگر ارشد مسائل بین الملل

رویکرد تهران در جریان دومین جنگ ارمنستان و آذربایجان (۲۰۲۰)، حمایت از بازگرداندن مناطق از دست رفته باکو بود. اما باکو در تفسیر توافقنامه آتش‌بس ۲۰۲۰ حق داشتن یک کریدور زمینی و ریلی فراسرزیمینی در امتداد مرز کنونی ارمنستان و ایران یا کریدور زنگرور را طلب کرد. اما تهران در سپتامبر ۲۰۲۲، نسبت به تغییر مرزهای آذربایجان-ارمنستان هشدار داد. پیش‌تر ایران بارها اعلام کرده بود که قره‌باغ خاک آذربایجان است. چنانچه اخیرا رئیس‌جمهور -ابراهیم رئیسی- گفته «قره‌باغ متعلق به آذربایجان است اما تاکید می‌کنیم رعایت حقوق ارمنه یک ضرورت است و امنیت و حقوق آنها باید حفظ و وضعیت مرزها باید حفظ شود». در این راستا تهران با هر گونه تجزیه‌طلبی مخالف است و هر گونه دولت محلی و خودخوانده در قره‌باغ را قبول ندارد. لذا ایران در وضعیت فعلی موافق خلع سلاح ارتش ارمنی قره‌باغ، گفت‌وگو و سازوکارهای مسالمت‌آمیز، تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان، ادغام مجدد و تضمین حقوق و امنیت ارمنه قره‌باغ در چارچوب آذربایجان است. چنانچه ایران از توافق دولت آذربایجان و نمایندگان ارمنه ساکن قره‌باغ برای توقف درگیری‌ها در این منطقه ابراز خرسندی کرده است. ایران احتمالا طیف متنوع‌تری از ارتباطات سیاسی و دیپلماتیک چون تشدید رایزنی‌های سیاسی و نظامی با باکو و کاهش تنش، مذاکرات ۳+۳ (گرجستان+ارمنستان+آذربایجان و روسیه+ایران+ترکیه) را در دستور کار قرار دهد. تهران در نظر دارد جهت کشتگری فعال برای کاهش سطح تنش‌ها، از ابزارهای نرم قدرت و بهبود روابط با باکو هم بیشتر استفاده کند. به نظر می‌رسد رویکرد کنونی و آتی تهران در مناقشه قره‌باغ به نوعی نقش مؤثر در معادلات منطقه، حفظ بی‌طرفی، تاکید بر ضرورت حفظ صلح و ثبات و توسل به راهکارهای مسالمت‌آمیز و مذاکره در حل و فصل مناقشه است، اما ایران نگرانی‌هایی نیز دارد. تعمیق همکاری‌های امنیتی و نظامی آذربایجان و اسرائیل و اجازه حضور نظامی در نزدیکی مرز ارس، پناه دادن به نیروهای اسرائیلی در خاک آذربایجان همچنان با واکنش و انتقاد تند تهران مواجه است. همچنین خطر حضور نیروهای خارجی و جنگجویان سلفی خارجی در نزدیکی مرزهای ایران و بی‌ثباتی قفقاز، تهدید پدیده علیه امنیت ملی ایران انگاشته می‌شود. تهران نگران سیاست تهاجمی آذربایجان و ترکیه، تقویت سیاست بان‌ترکیسم و تضعیف جایگاه ژئوپلیتیک و تجاری- اقتصادی ایران در قفقاز نیز هست. فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه، برخی احساسات جدایی‌طلبانه و واکنش جریان‌های بان‌ترکیسم در باکو، می‌تواند چالشی برای تهران باشد. ایران هر چند از تمامیت ارضی آذربایجان حمایت می‌کند، اما نمی‌تواند تماشاگر از دست دادن مرز با ارمنستان و اتصال ترکیه به کاسپین باشد. در واقع تمامیت ارضی جمهوری ارمنستان خط قرمز ایران است. تهران از دست رفتن کنترل ارمنستان بر منطقه سیونیک در جنوب ارمنستان هم مرز با ایران (بین آذربایجان، نخجوان) در چارچوب برنامه زنگرور» را علیه منافع خود می‌داند. لذا با رزمایش نظامی، استقرار نیروها، افتتاح کنسولگری و تقویت حضور در سیونیک ارمنستان مقابله با پیشروی آذربایجان، منافع ملی ایران خود را حفظ مرزها و حمایت از تمامیت ارضی ارمنستان می‌بیند. ایران هر چند با راه‌اندازی کریدور راه‌آهن و با اتوبان مخالفت ندارد، اما از هر گونه تغییر ژئوپلیتیک و تغییر مرزها جلوگیری می‌کند. مسلما اگر انکارا و باکو احساس کنند تهران در موقعیتی نیست که قدرت را در قفقاز جنوبی حفظ کند، به پیشروی در ارمنستان و به‌دست گرفتن استان سیونیک دست می‌زنند، در این شرایط ایران واکنش‌های بسیار سختی خواهد داشت و آن را فاجعه‌ای ژئوپلیتیکی می‌بیند. به نظر می‌رسد تهران امیدوار است سرسختی و خط قرمز مشخص شده توسط تهران سرانجام موفق شود. جدا از هشدار، تغییر مرزها و تغییرات ژئوپلیتیکی ممکن است با واکنش چندبعدی ایران، رویکردی ترکیبی چون واکنش نظامی، تکیه بر برخی مبانی حقوقی و حتی طرح لفظ «شناسایی» جمهوری آذربایجان باشد. به عبارتی با توجه به نوع نگاه افکار عمومی، مطرح شدن هر چه بیشتر تحولات این حوزه در جامعه ایران و افزایش حساسیت‌ها می‌توان تصور کرد که تهران خطوط قرمز تعیین شده را با جدیت پیگیری خواهد کرد. در این بین بسیاری امیدوارند که با نفوذ ترکیه در باکو و عقب‌نشینی‌های قبلی سیاست خارجی این کشور در مقابل ایران در برخی از حوزه‌های منطقه‌ای اکنون نیز پافشاری ایران مانع از خسارات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی به ایران در قفقاز جنوبی گردد. یعنی همچنان که ایران در جنگ اول قره‌باغ (دهه ۹۰) مانع پیشروی بیشتر ارمنستان در خاک آذربایجان شد، مانع پیشروی آذربایجان در عمق خاک ارمنستان نیز خواهد شد.

دریچه

محمدرضا صباغیان:

دولت باید سیستم‌های نظارتی را تقویت کند

یک نماینده مجلس اظهار داشت: شعارهای دولت سیزدهم در ابتدای راه، شعارهای خوب و درست بود و مردم هم به واسطه همین حرف‌ها، امیدشان بالا رفت ولی چون کمتر کار دولت، کار کارشناسی و بیشتر نگاه انقلابی‌گری بود، خروجی کار آن طور که انتظار می‌رفت، نشد. بخشی از عدم موفقیت دولت در تحقق شعارهایش، مربوط به انتصاباتی بود که صورت گرفت. یکی از مهم‌ترین ضعف‌های دولت سیزدهم این است که کمتر به ابعاد نظارتی توجه کرد که البته این نقص، به مجلس هم برمی‌گردد. محمدرضا صباغیان گفت: در کشور، حدود ۱۰ دستگاه نظارتی وجود دارد. حال اگر تعداد نیروهای انسانی این ۱۰ دستگاه حقوقی که این افراد می‌گیرند را بررسی کنیم، می‌بینید که حقوق‌شان از دیگر بخش‌های دولتی کمتر است و این خود دلیل ضعف در سیستم نظارتی کشور شده است. دولت باید اهمیت نظارت در کشور را درک و برای بهبود در امور، سیستم‌های نظارتی را تقویت کند؛ یعنی در وهله اول دولت باید این راه را داشته باشد. در ادامه برای موفقیت در این بخش، باید بدانند که با این حجم از نیروی انسانی و تخصیص منابع مالی، کار دشواری نیست و نیایستی از این دو مولفه مهم غافل شوند. اگر نظارت در صدراولویت‌های دولت باشد، خیلی از مشکلات کشور حل خواهد شد، موضوعی که هنوز شاهد آن نیستیم. وی افزود: تیم اقتصادی دولت سیزدهم پس از گذشته ۲۶ ماه، نتوانست خود را خوب و در حد انتظارها ثابت کند. اگر حوزه نظارت، دغدغه اصلی دولتمردان بود، هم تیم اقتصادی منسجم‌تر عمل می‌کرد و هم آثار مثبت کارهای مردمی که تحت فشارهای اقتصادی هستند، نمایان‌تر می‌شد.

دکتر پیروز مجتهدزاده در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

در خاورمیانه دوضرب‌در دو چهار نمی‌شود!

ایران باید به سمت ایجاد موازنه‌های استراتژیک در خاورمیانه حرکت کند

برای مشاهده آینده یک کشور باید به دانشگاه‌ها نگاه کرد

آرمان ملی - احسان انصاری: «معادلات خاورمیانه دارای حساب و کتاب نیست و نمی‌تواند آینده این منطقه را پیش‌بینی کرد. در این منطقه نتیجه دو ضرب‌در دو چهار نمی‌شود، بلکه عدد نامشخصی می‌شود. مهم‌ترین دلیل این اتفاق نیز این است که درک صحیحی از زندگی و دموکراسی وجود ندارد. منطقه خاورمیانه باید این درک را در خود به وجود بیاورد که تنها در سایه دموکراسی است که می‌تواند زندگی خوبی داشته باشد.» جملات بالا سخنان دکتر پیروز مجتهدزاده در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. دکتر مجتهدزاده در این گفت‌وگو به ریشه‌های مشکلات ایران در عرصه بین‌المللی و همچنین چالش‌های ایران در خاورمیانه می‌پردازد. این تحلیلگر روابط بین‌الملل در این زمینه معتقد است: «تجربه تاریخی به ما گوشزد می‌کند ما تاکنون یکجانبه‌گر یا نه به وضعیت خود و رقبای نگاه کرده‌ایم. ما همواره گمان کرده‌ایم هر کاری انجام داده‌ایم صحیح بوده و به همین دلیل زندگی مردم در بهترین شرایط ممکن قرار دارد. این رویکرد همواره با واقع‌گرایی نبوده. واقعیت دیگری که در تجربه تاریخی ما وجود دارد این است که ما از روز نخست برنامه ریزی منسجمی برای مدیریت کشور نداشتیم و به جای آن تلاش کردیم با جناح‌بازی و حزب‌بازی کشور را مدیریت کنیم.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مناقشه هسته‌ای ایران و آمریکا به چه میزان بر معادلات منطقه خاورمیانه تأثیر گذاشته است؟

ما برای تحلیل واقعیت‌های موجود باید این تصور را تصحیح کنیم که ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی دارای رقابت‌های مشابه و هم‌ترازی است. واقعیت‌ها نشان می‌دهد که چنین تصویری اشتباه است. ایران در سطح منطقه دارای رقابت‌هایی است اما این رقابت‌ها در سطح جهانی وجود ندارد. ایران با آمریکا بر سر نفوذ در شرق دور، خاورمیانه عربی یا غرب رقابتی ندارد. رقابت ایران با آمریکا به مسائل ایران در منطقه و مناسبات کشورهای خاورمیانه محدود می‌شود. اینکه برخی در داخل کشور ایران و آمریکا را در یک سطح فرض می‌کنند یک اقدام صحیح نیست. بدون تردید اگر چنین پیش‌فرض‌هایی برای تحلیل وجود داشته باشد نتیجه‌گیری که صورت می‌گیرد اشتباه خواهد بود. به همین دلایل انتظارات از دو کشور باید مبتنی بر واقعیت‌ها باشد. بنده معتقدم انتظارات باید متناسب با ظرفیت‌های موجود ایران و آمریکا باشد. ما به اندازه‌ای دارای دانش و تجربه تاریخی هستیم که با نگاهی به تاریخ به این نتیجه برسیم که برای ادامه راه باید از چه روشی استفاده کنیم. حکومت‌هایی مانند صدام و قذافی که در مسیر دیکتاتوری حرکت کردند در نهایت نابود شدند. این در حالی است که کشورهایی که دارای ظرفیت‌های دموکراتیک بودند روز به روز قوی‌تر شدند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد برای دوام داشتن یک حکومت آن حکومت باید دموکراتیک باشد. بنده معتقدم تندروترین افراد در نظام ایران نیز خواهان دموکراسی هستند.

تجربه تاریخی به ما چه هشدارهایی می‌دهد؟

اینکه از چه مسائلی باید پرهیز کرد و چه رویکردهایی را باید در دستور کار قرار داد؟

در این زمینه ما باید همه رویکردهای داخلی و خارجی را مورد بررسی قرار بدهیم تا مشخص شود در چه زمینه‌هایی دچار اشتباه شدیم و چگونه می‌توانیم از مسیر اشتباه بازگردیم. ما باید دارای این ظرفیت و بزرگی باشیم که هنگامی که شکست خوردیم به شکست و اشتباه خود اقرار کنیم. در گذشته ما این ظرفیت‌ها را نشان داده‌ایم. به عنوان مثال در ماجرای قطعنامه ۵۹۸ ما نشان دادیم به رغم اینکه شرایط را نمی‌پسندیم اما به دلیل مصلحت کشور و منافع مردم این کار را انجام می‌دهیم. متأسفانه روشنفکری منحرف عادت کرده هر اقدام مناسبی که صورت می‌گیرد را مگویشد می‌کند این است که ما مهمی که تجربه تاریخی به ما می‌گوشد می‌تواند این است که ما تاکنون یکجانبه‌گر یا نه به وضعیت خود و رقبای نگاه کرده‌ایم. ما همواره گمان کرده‌ایم هر کاری انجام داده‌ایم صحیح بوده

سیاست خارجی مبتنی بر واقعیت نیازمند چه ملزوماتی است؟

ما برای تحلیل واقعیت‌های موجود باید این تصور را تصحیح کنیم که ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی دارای رقابت‌های مشابه و هم‌ترازی است. ایران در سطح منطقه دارای رقابت‌هایی است اما این رقابت‌ها در سطح جهانی وجود ندارد. ایران با آمریکا بر سر نفوذ در شرق دور، خاورمیانه عربی یا غرب رقابتی ندارد. رقابت ایران با آمریکا به مسائل ایران در منطقه و مناسبات کشورهای خاورمیانه محدود می‌شود. اینکه برخی در داخل کشور ایران و آمریکا را در یک سطح فرض می‌کنند یک اقدام صحیح نیست. بدون تردید اگر چنین پیش‌فرض‌هایی برای تحلیل وجود داشته باشد نتیجه‌گیری که صورت می‌گیرد اشتباه خواهد بود. به همین دلایل انتظارات از دو کشور باید مبتنی بر واقعیت‌ها باشد



اگر ایران به دنبال منافع خود در

این منطقه است باید به سطحی از

قدرت تأثیرگذار برسد که بازیگران

خارجی نتوانند در معادلات این

منطقه نقش آفرینی کنند. عربستان

در رقابت با ایران همواره تلاش

می‌کند از آمریکا کمک بگیرد. این

در حالی است که این وضعیت

موازنه‌های منطقه‌ای را به هم

می‌زند. نکته مهم اینکه ایران باید

در مسیر ایجاد موازنه استراتژیک

در منطقه خاورمیانه حرکت کند.

معادلات منطقه‌ای نیز برای ایران

سخت‌تر از گذشته شده است. در

شرایط کنونی برخی از کشورهای

عربی با اسرائیل وارد رابطه

شده‌اند که این شرایط را برای ایران

سخت‌تر می‌کند

صلح و امنیت در منطقه و جهان تابع موازنه‌های استراتژیک بین کشورهای مختلف است. قبل از جنگ جهانی دوم این توازن‌ها وجود نداشت و به همین دلیل جهان هر روز شاهد جنگ جدیدی بود. با تشکیل سازمان ملل و توافق نامه‌هایی که منعقد شد جنگ و درگیری در جهان کاهش پیدا کرد. این در حالی بود که پس از جنگ جهانی دوم ما با جنگ سرد مواجه بودیم که یک اتفاق بزرگ برای آینده جهان به شمار می‌رفت. در چنین شرایطی بلوک شرق و غرب برای مقابله با دیگری به سلاح‌های بزرگ مجهز شدند که جهان را در وضعیت خطرناکی قرار داده بود. به همین دلیل قدرت‌های جهانی به این نتیجه رسیدند برای پایان این جنگ افروزی باید موازنه جدیدی در عرصه سیاسی جهان شکل بگیرد. موازنه‌ای که صلح و امنیت جهانی را حفظ کند. در نتیجه برای حفظ و ارتقای صلح در هر منطقه‌ای نیاز به موازنه‌های استراتژیک وجود دارد. با این وجود هنگامی که به وضعیت خاورمیانه توجه می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که در این منطقه شرایط به شکلی دیگری وجود دارد. نکته دیگر اینکه معادلات خاورمیانه دارای حساب و کتاب نیست و نمی‌تواند آینده این منطقه را پیش‌بینی کرد. در این منطقه نتیجه دو ضرب‌در دو چهار نمی‌شود و بلکه عدد نامشخصی می‌شود. مهم‌ترین دلیل این اتفاق نیز این است که درک صحیحی از زندگی و دموکراسی وجود ندارد. منطقه خاورمیانه باید این درک را در خود به وجود بیاورد که تنها در سایه دموکراسی است که می‌تواند زندگی خوبی داشته باشد.

آیا دموکراسی می‌تواند موازنه‌های استراتژیک در خاورمیانه را شکل بدهد؟

بله! این اتفاق باید در درون کشورهای منطقه خاورمیانه رخ بدهد. در شکل‌گیری این دموکراسی نیز قدرت‌های جهانی نباید دخالت داشته باشند. اگر ایران به دنبال منافع خود در این منطقه است باید به سطحی از قدرت تأثیرگذار برسد که بازیگران خارجی نتوانند در معادلات این منطقه نقش آفرینی کنند. عربستان در رقابت با ایران همواره تلاش می‌کند از آمریکا کمک بگیرد. این در حالی است که این وضعیت موازنه‌های منطقه‌ای را به هم می‌زند. نکته مهم اینکه ایران باید در مسیر ایجاد موازنه استراتژیک در منطقه خاورمیانه حرکت کند. معادلات منطقه‌ای نیز برای ایران سخت‌تر از گذشته شده است. در شرایط کنونی برخی از کشورهای عربی با اسرائیل وارد رابطه شده‌اند که این شرایط را برای ایران سخت‌تر می‌کند. هنگامی که قراردادهای بین‌المللی دچار خدشه می‌شود ترمیم آن آسان نخواهد بود. این وضعیت درباره برجام نیز وجود دارد. بنده معتقدم بازگشت مجدد آمریکا به برجام به همان آسانی انعقاد برجام نیست، بلکه باید از مسیرهای دشوارتری حرکت کرد. این وضع درباره ایران نیز وجود دارد.

نگره

عبور زنگرور از ایران

تله‌ترکیه برای تهران

یاترکیه ارمنستان؟

سفر «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه به نخجوان با ادعای تداوم همکاری‌های اقتصادی و توسعه‌ای، گویای بازی سیاسی ترکیه در منطقه مورد هدفش بود. تا بتواند اهداف اصلی خود را در پوشش اظهارات ملایمی که داشت دنبال کند. در شرایطی که منطقه تنش‌های متعددی را میان جمهوری آذربایجان با حمایت ترکیه و ارمنستان تجربه می‌کند، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند ترکیه در صدد تحقق اهداف خود هستند. ایسنا نوشت: اردوغان پس از بازگشت از نخجوان در سخنانی درباره راه‌اندازی کریدور زنگرور اظهار داشت: ترکیه از کریدور صلح‌آمیز بین آذربایجان و ارمنستان برای اتصال نخجوان حمایت می‌کند، اما اگر ایران با چنین چیزی مخالفت کند، کریدور می‌تواند از ایران عبور کند که این ایده‌ای مثبت است. ما تمام تلاش خود را برای افتتاح کریدور زنگرور انجام می‌دهیم و سیگنال‌های مثبتی نیز از ایران می‌آید. این در حالی است که ایران بارها تأکید کرده که هر گونه تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه را نمی‌پذیرد و در عین حال ارمنستان هم بارها اعلام داشته که هیچ کریدوری نمی‌تواند در خاک این کشور فعالیت کند. با این حال پس از اظهارات اردوغان مبنی بر دریافت سیگنال‌های مثبت از سوی ایران برای ایجاد کریدور زنگرور، تاکنون موضع رسمی از سوی مقامات کشور اعلام نشده است. آنچه مسلم است این است که جمهوری اسلامی ایران همواره در مواضع صریح خود مخالفتش با ایجاد کریدور زنگرور را اعلام کرده که برای آن هم دلایل متعددی دارد از جمله اینکه نقش ایران در حمل و نقل بین شرق و غرب کاهش پیدا می‌کند، تهران ارتباط خود بین جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان و همچنین ایران را بنا بر اساس اهداف اقتصادی و سیاسی از دست می‌دهد.

هدف از سفر اردوغان به نخجوان

برهان حشمتی، کارشناس مسائل قفقاز سفر اردوغان به نخجوان را ادامه‌داری کلان ژئوپلیتیک او دانست که با هدف متقاعد کردن ارمنستان بوده و گفت: صرف‌نظر کردن از استان سیونیک یعنی منطقه مرزی با ایران، با این تحلیل انحرافی‌ای که به ارمنستان داده می‌شود مبنی بر آمدن انجام از طریق مذاکره یا جنگ منطقه را به ما ندهید، راه عبوری را از طریق ایران دنبال می‌کنیم. این کار قطعاً و فریب ارمنستان است. وی تصریح کرد: اما ایجاد اردوغان می‌گوید سیگنال مثبتی از طرف ایران می‌رسد؛ بدانند که ایران همیشه راه‌های ارتباطی از طریق ارمنستان و یا جمهوری آذربایجان داشته و بدون هیچ هزینه‌ای که تبعات سیاسی یا امنیتی داشته باشد، رفت و آمد انجام می‌گرفته است. بنابراین سیگنال مثبت از سوی ایران همیشه وجود داشته و اردوغان نباید تلاش کند از این مسئله به عنوان حيله در راستای مطالبات کلان و اهداف غرب برای ایجاد دلالت زنگرور استفاده کند. حشمتی خاطرنشان کرد: خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران تاکنون ایستاده و اجازه نداده این هدف محقق شود؛ اگر به طور دقیق بیاورم این کریدور بررسی شود حتی به ضرر جمهوری آذربایجان است زیرا عملاً در اختیار ترکیه که عامل اجرایی ناتو در منطقه است، قرار می‌گیرد؛ در نتیجه هدف نهایی دنبال‌کنندگان این طرح تحت فشار قرار دادن ایران و روسیه است. بر اساس آنچه کارشناسان مطرح کرده‌اند، اظهارات اخیر اردوغان پس از سفر به نخجوان در مورد استفاده از خاک ایران برای ایجاد کریدور زنگرور در شرایطی که ارمنستان اجازه ندهد، صرفاً برای تحریک ارمنستان بوده تا بگوید نفع اقتصادی این کار برای ایران خواهد بود تا از این طرف پاشنیشان را ترغیب کند که افکار عمومی داخل ارمنستان را متقاعد نماید. بر اساس بند ۹ توافقنامه صلح ۲۰۲۰ میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان که با واسطه روسیه انجام شد، آمده است: کلیه فعالیت‌های اقتصادی و حمل‌ونقل در منطقه بلا مانع است. ارمنستان ایمنی ارتباطات حمل‌ونقل برای مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را به منظور نقضیه و بار در هر دو جهت تضمین می‌کند. کنترل حمل و نقل توسط ارگان‌های سرویس مرزی روسیه انجام می‌شود. با توافق طرفین، ساخت زیرساخت‌های جدیدی که جمهوری خودمختار نخجوان را با مناطق آذربایجان پیوند می‌دهد، انجام می‌شود. بنابراین طرفین در این توافقنامه پذیرفتند که راهی از استان سیونیک در جنوب ارمنستان برای دسترسی جمهوری آذربایجان به جمهوری خودمختار نخجوان گشوده شود. آن نیز مورد حفاظت نیروهای روس قرار گیرد. در این بند از بیانیه تنها به موضوع ارتباطات حمل‌ونقل مسافر و کالا اشاره شده و موضوعی مانند کریدور که کار کرده‌ای سیاسی و امنیتی دارد، وجود ندارد. ترکیه اما تلاش می‌کند تا کریدور زنگرور ایجاد شود و بتواند به سهولت به راه‌های ارتباطی و حمل‌ونقل و همچنین مسیر تجاری از چین به اروپا دسترسی داشته باشد، از این رویه سال‌های اخیر روابط خود را در ابعاد مختلف نظامی و اقتصادی با آذربایجان تقویت کرده تا بتواند از مزیت‌های این منطقه بهره‌برد. حدود ۱۲۰ هزار نفر از ساکنان قره‌باغ در حال عزیمت از این منطقه به قلمرو ارمنستان هستند و طبق آخرین آمارها، بیش از ۶۵ هزار نفر وارد این کشور شده‌اند. بارک این شرایط، باید نگاه عمیق‌تری به ادعای ترکیه و آذربایجان مبنی بر اینکه ایجاد کریدور زنگرور به نفع کشورهای امنیت منطقه است، داشت. توسعه طلبی و زیاده‌خواهی برای دسترسی به راه‌های مواصلاتی و منطقه‌ای با جایگاه استراتژیک و با اهمیت اقتصادی در این منطقه جغرافیایی مسأله‌ای نیست که بتوان به راحتی گفت صلح و ثبات را برای منطقه می‌خواهند.